

اصل اعترافی صریح به پایان دوران ابرقدرتی نظامی امریکا (پس از پایان ابرقدرتی سیاسی که مربوط به سال‌های پیش است) محسوب می‌شد و به همین دلیل، همان زمان، بسیاری در منطقه حساب کار دستشان آمد که آن قدرت مداخله‌کننده یکسره‌کننده، برای همیشه صحنه بین‌المللی را ترک کرده و خود باید فکری به حال خویش بکنند. از آن زمان، امریکا چندین بار تلاش کرده این استراتژی را با متحدان منطقه‌ای‌اش تمرین کند. در تشکیل ائتلاف علیه داعش موضوع خیلی زود به ابتدال کشیده شد چرا که اساسا قرار نبود با داعش مبارزه جدی بشود و مهم تر از آن، آنها که قرار بود برای مبارزه با داعش ائتلاف تشکیل بدهند خود حامیان اصلی آن بودند و نگفته پیداست که کار دست خود را نمی‌برد. با این حال، این حیث راهبردی، در همان مسئله داعش هم روشن بود که امریکا نمی‌خواهد مداخله کند و قصد دارد هدف‌های خویش را به دست بازیگران منطقه‌ای محقق سازد. در موضوع یمن، شاید برای اولین بار، دولت اوباما در حال اجرای کامل استراتژی وست پوینت است. یک بحران حاد ژئوپلیتیکی بروز کرده، امریکا نه می‌خواهد و نه می‌تواند مستقیماً مداخله کند، نمی‌تواند هم مسئله را به حال خود رها نماید و در نتیجه از بازیگران مرتبط خواسته است ائتلافی تشکیل بدهند و خود دست به کار شوند؛ و در مقابل، روی کمک سیاسی، اطلاعاتی و حداکثر لجستیکی امریکا حساب کنند. امریکا تصور می‌کند به این ترتیب می‌تواند مشکلاتش را حل کند بی‌آنکه با دشواری‌های حل مشکل رویارو یا مجبور به مواجه شدن با تبعات آن گردد.

امریکا در یمن می‌خواهد یک مشکل حاد ژئوپلیتیکی را با ابزار سعودی، قطر، کویت، مصر و سودان حل کند تا دوباره گرفتار تجربه عراق نشود. ظاهر موضوع معقول هم هست: کسانی درگیر موضوع می‌شوند که در حل آن منفعت مستقیم دارند، منطقه را به خوبی می‌شناسند و بر ریزه کاری‌های طبقاتی، قومی و جغرافیایی مشرفند. اما آنچه امریکایی‌ها در طرح ریزی خود به آن دقت نکرده اند مفهومی به نام مهارت است. وقتی ارتش امریکا که خود را ارتش درجه یک جهان می‌داند از بیم تکرار تجربه‌های گذشته، رسماً شمشیر را غلاف کرده، چگونه توقع دارند شرت‌های سعودی و سربازهای آفتاب‌نیده مصری، از عهده حل بحرانی با این درجه از شدت و پیچیدگی برآیند؟ همانطور که استراتژیست‌های منتقد دستور کار وست پوینت همان موقع گفتند اشکال اصلی این راهبرد این است که حل بحران‌هایی بسیار عمیق را به بازیگرانی به شدت فاقد مهارت می‌سپارد و از آنها توقع دارد مشکلی را حل کنند که امریکا در مقام پدرخواندگی از رویارو شدن با آن عاجز مانده است. یمن، به خوبی نشان خواهد داد که عدم مداخله همانقدر ناکارآمد است که خود مداخله، به بازی گرفتن بازیگران منطقه‌ای همانقدر احماقانه است که به کلی نادیده گرفتن آنها، اقدامات ائتلافی با همان شدتی شکست خواهد خورد که اقدام یک جانبه شکست خورد و متحدان منطقه‌ای امریکا همانقدر ناتوانند که خود امریکا. یمن، جزو معدود کشورهای منطقه‌ای است که به امریکا خواهند فهماند نمی‌تواند ضعف استراتژیک را با هوشمندی تاکتیکی بپوشاند و استراتژی وست پوینت لاقول در منطقه خاورمیانه در حد تصرف و اداره یک قریه هم کارایی ندارد. ■



العنوان  
البحرین  
#العنوان\_على\_اليمن

... ادامه از صفحه ی اول

هسته‌ای و در واقع حاوی دو پیام است. یک پیام برای ایران؛ که همانطور که جان برنن مدیر سیا سه روز پیش به فاکس نیوز گفت دریابد که از لحاظ ژئوپلیتیکی امریکا آن را کاملاً به مثابه یک دشمن تحلیل می‌کند و پیامی هم برای سعودی و اسرائیل. پیام به سعودی و اسرائیل که در واقع می‌توان آن را نوعی تضمین خواند مشخصاً این است که توافق هسته‌ای احتمالی با ایران هم‌اوردی منطقه‌ای ایران و امریکا را نه فقط کاهش نمی‌دهد بلکه آن را تشدید خواهد کرد و بویژه سعودی باید مطمئن باشد که همچنان از حمایت امریکا در مقابل رشد اعجاب آور قدرت منطقه‌ای ایران برخوردار است.

به جز مسئله تضمین‌دهی ژئوپلیتیکی که این حمله را به مذاکرات هسته‌ای مرتبط می‌کند، تهاجم هوایی به یمن از یک جنبه دیگر هم به امریکا مرتبط است. برای فهم این جنبه باید ابتدا نکات کلیدی سخنرانی اوباما در دانشکده نظامی وست پوینت نیویورک را که اصلی‌ترین خطوط راهبرد امریکا در دوران نوین سیاست خارجی‌اش را مشخص می‌کند، به یاد آورد. اوباما در آن سخنرانی گفت: به دلیل تنفر شدید مردم امریکا از آغاز هرگونه جنگ جدید، ضعف و خستگی مفرط ارتش امریکا، مشکلات جدی اقتصادی و تغییر جنس و ماهیت تهدیدهای نوین، امریکا در سیاست خارجی‌اش، استراتژی مداخله مستقیم را کنار گذاشته و به جای آن بر مدیریت از راه دور، واگذار کردن حل مشکلات منطقه‌ای به بازیگران منطقه‌ای، تلاش برای نزدیک کردن عملیات‌های نظامی به عملیات‌های اطلاعات پایه و در نتیجه کوچک کردن ارتش، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای، اجتناب از مداخله مستقیم و استفاده جدی از ابزارهایی مانند تحریم‌ها و مجازات‌های چند جانبه متمرکز خواهد شد. استراتژی وست پوینت اگرچه ظاهری تر و تمیز و مرتب داشت ولی در

## ره‌نمود

### تذکر بدهید اما منطقی

هر دولتی منتقدینی دارد، این دولت هم منتقدینی دارد، دولت‌های قبلی هم هر کدام انتقاد کنندگانی داشتند؛ تا اینجای قضیه هیچ اشکالی ندارد. کسانی هستند که این روش را قبول ندارند، این رفتار را قبول ندارند، این حرف را قبول ندارند، این سیاست را قبول ندارند؛ اینها منتقدند و انتقاد میکنند، مانعی ندارد؛ اما انتقادها باید در چهارچوب منطقی باشد. خود بنده هم به دولت‌های گوناگون انتقادهایی داشتم، این انتقادها را همواره هم تذکر دادم، در هیچ موردی از آنچه به نظر من عیب بوده و جای انتقاد بوده است، از تذکر خودداری نکردم؛ منتها این تذکرات را در وضع مناسب و در موقعیت مناسب و با شکل مناسب دادیم؛ یا پیغام دادیم، یا حضوری گفتیم، یا اصرار کردیم. تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی که مسئولند و مشغول کارند، سلب نکند؛ تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسئله‌ی ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار نکنند.

بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۴/۱/۱

### دلواپسی جرم نیست

به مسئولان کشور - در سه قوه - این را تأکید میکنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد میکنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمیکنم، به نظارت نکردن دعوت نمیکنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت میکنم؛ اما اصرار میکنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد. ممکن است در یک قضیه‌ای، یک عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلواپس بودن جرم نیست. میتوانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسئله‌ی مهم و حساس کشور، احساس دلواپسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما این به معنای متهم کردن نباشد، به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد.

بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۴/۱/۱

### چک سفید امضا نداده‌ام!

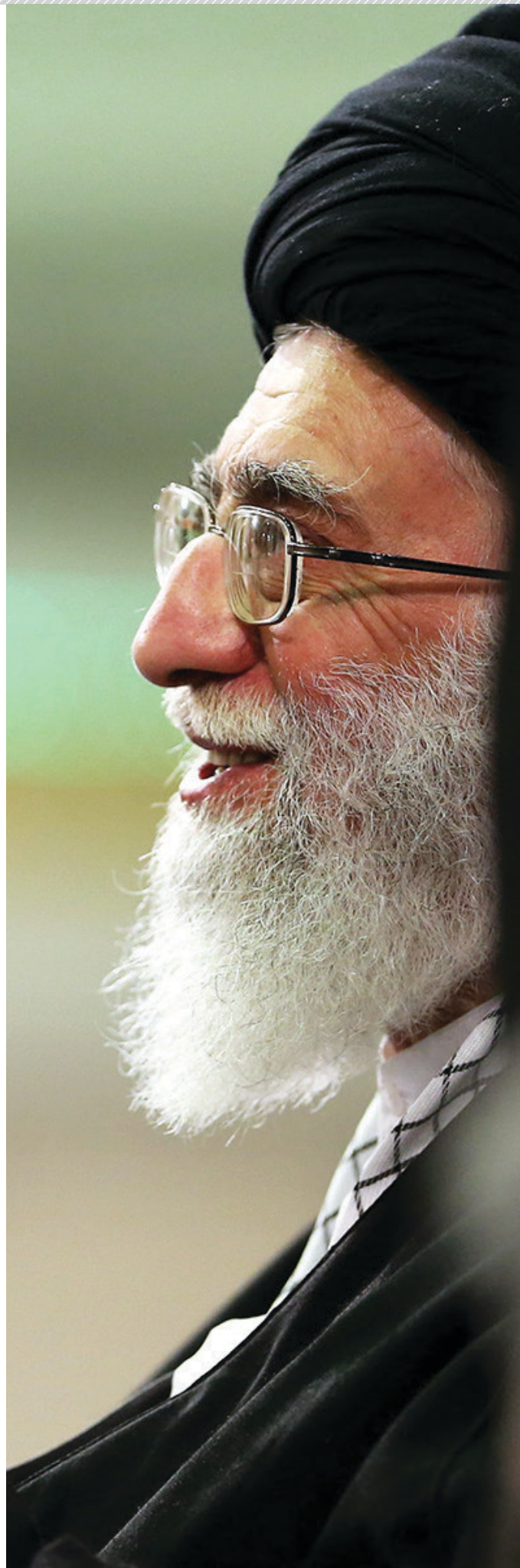
هم دولت و طرفداران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلواپسی میکنند، بایستی اهانتی نکنند. من این را صریحاً به ملت عزیزمان عرض میکنم - قبلاً هم گفتم - من از همه‌ی دولت‌ها در دوران مسئولیت خودم حمایت کردم؛ از این دولت هم حمایت میکنم. هر جا هم لازم باشد تذکر میدهم؛ البته چک سفید امضا هم به کسی نمیدهم. نگاه میکنم به عملکردها و برحسب عملکردها قضاوت میکنم و به توفیق الهی و به کمک الهی، برحسب عملکردها هم عمل خواهم کرد. این مطلب اول در توضیح و تبیین آنچه به عنوان شعار سال - همدلی و هم‌زبانی میان دولت و ملت - مطرح کردیم؛ همدل باشند، هم‌زبان باشند و همکاری کنند و در کنار هم به سوی رفع مشکلات حرکت کنند.

بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۴/۱/۱

### بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد

سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به‌هیچ‌وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلایل این است که توانایی‌های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا است؛ چندین و چند برابر اینها، آنها توانایی نظامی داشتند؛ طرف مقابل آنها هم غزه‌ی یک وجبی بود. اینجا طرف مقابل یک کشور است، یک کشور ده‌ها میلیونی؛ یک ملت، کشور پهناور و وسیع. اگر آنها توانستند در غزه پیروز بشوند، اینها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البته اگر آنها هم پیروز میشدند، باز پیروزی اینها احتمالش صفر بود؛ الان احتمالش زیر صفر است. اینها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد.

بیانات در دیدار مداحان ۹۴/۱/۲۰



# چند قدم به جلو در تاریخ انقلاب، در تعامل بین دولت و ملت

گفتاری از آقای اصغر طاهرزاده در خصوص علت نامگذاری شعار سال ۹۴



عزم ملی | سال همکاری‌های گسترده‌ی دولت و ملت | مدیریت جهادی

تصور بنده آن است که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» بنا دارند چند قدم تاریخ ملت ما را جلو ببرند و در عین به رسمیت شناختن جریان‌های فکری معتقد به اصل انقلاب با سلیق مختلف هر کدام از این جریان‌های فکری متوجه جایگاه جریان مقابل خود در انقلاب بشوند. امثال بنده انقلاب را طوری تعریف کرده و اهدافی را برای انقلاب مد نظر دارد که با تعریفی که امثال آقای دکتر روحانی و دکتر نوبخت و دکتر جهانگیری کرده‌اند یکسان نیست و از نظر امثال بنده آنچه که این افراد برای انقلاب اسلامی در نظر گرفته‌اند و سعی می‌کنند آن را به فعلیت برسانند، انقلاب اسلامی را از شور انقلابی مقابله با استکبار فرو می‌نشانند و رسالت انقلاب اسلامی را که به نظر بنده «نفی استکبار» است تا حدی به حاشیه می‌برد و عملاً انقلاب اسلامی یک نوع هویت سیاسی فکری فرهنگی می‌شود در کنار فرهنگ غربی و فرهنگ سکولار کشورهای مثل ترکیه. و لذا این آقایان قبول ندارند اهداف انقلاب آن چیزی است که ما برای انقلاب اسلامی تعریف کرده‌ایم. عمده آن است که ما حرف آقایان را اولاً: بفهمیم و متوجه باشیم این افراد نیز به یک معنا خود را فرزند انقلاب می‌دانند و مطابق تعریفی که از انقلاب اسلامی دارند تلاش می‌کنند به انقلاب و مردم خدمت کنند و از این جهت می‌توان با آن‌ها همدلی داشت و خدمت آن‌ها را نادیده نگرفت. ثانیاً: از آن جهت که برای انقلاب اسلامی یک هویت مستقل قائل‌اند و بنا ندارند هویت اسلامی انقلابی ما را در ذیل غرب قرار دهند - هرچند ما را در کنار آن‌ها تعریف کرده‌اند - می‌توان با آن‌ها هم‌زمانی داشت و در عین حال دلایل خود را در ضعف این تعریف نسبت به انقلاب به صورت علمی به مردم عرضه داشت و یکی از موضوعات محافل علمی ما باید نقد علمی و عقلی نگاهی باشد که افراد فوق‌الذکر بدان معتقدند، در عین فهم اندیشه‌ی آنان. این آن «آزاداندیشی» مهمی است که ما در این تاریخ بسیار به آن نیاز داریم تا چند قدمی در تاریخ خود جلوتر بیاییم. چرا ما اندیشه‌ی این افراد را جدی نمی‌گیریم و بر روی آن فکر نمی‌کنیم و انگیزه‌های آن‌ها را که می‌خواهند در راستای انقلاب باشند، درک نمی‌کنیم. با اندک ضعفی که از آن‌ها می‌بینیم به کلی آن‌ها را نفی می‌کنیم. باید جای «نفی» را با «نقد» عوض کرد و خود را مجهز به معارف عالی‌ای نمود که معلوم شود نگاه آقایان

فوق‌الذکر ما را به اهداف مقدس نظام اسلامی نمی‌رساند تا از این طریق آن‌ها در نگاه خود بازاندیشی کنند و از آن مهم‌تر جداً در نوع برخورد خود با منتقدین خود تجدید نظر نمایند. این‌ها گمان می‌کنند منتقدین‌شان هیچ طرحی برای مدیریت نظام ندارند و فکر می‌کنند تنها روش مقابله با استکبار همین روشی است که آقایان پیشه کرده‌اند. آری! ما با همدلی و هم‌زمانی نشان می‌دهیم می‌توان به افکار همدیگر نظر داشت و لاقلاً همدیگر را بفهمیم و نه این‌که حتماً باید مثل هم فکر کنیم و مثل هم عمل نمائیم و سال‌های سال طول می‌کشد تا این شعور تاریخی در جامعه‌ی ما نهادینه شود. آری اگر چنین فضایی در تاریخ ما به‌وجود آید دیگر نقد دیدگاه‌ها به میان می‌آید به جای نقد اشخاص. در آن فضا ما می‌توانیم دیدگاه دولت آقای روحانی را که در فضای امیدواری به فرهنگ غربی می‌خواهد انقلاب اسلامی را در قسمت اجرایی مدیریت کند، نقد نماییم و آرام‌آرام جامعه‌ی خود را به این غنای فرهنگی برسانیم که برای ادامه‌ی حیات انقلاب اسلامی باید آزاد از آنچه که غرب برای بشر پیشنهاد می‌کند تصمیم بگیرد و معنای همدلی و هم‌زمانی برای ایجاد چنین فضایی است. ■

# تجارت پس

# انس باولک

انس باولی - شماره ۶۱  
ویژه نامه‌ی سال جدید، تحولات یمن و مذاکرات هسته‌ای  
گروه فرهنگی یاران خمینی<sup>(ه)</sup>  
فروردین ۹۴

قیمت: ۲۰۰ تومان

## جنگ در یمن و توافق هسته‌ای

یادداشتی از آقای مهدی محمدی پیرامون چرایی تجاوز آل سعود به یمن

جنگ در یمن و توافق جنگ در یمن به احتمال بسیار زیاد، سرآغاز یک سلسله تغییرات ژئوپلیتیکی مهم در منطقه خاورمیانه خواهد بود. این تغییرات به یک معنا ادامه تغییرات پیشین است ولی به معنایی دیگر، می‌تواند مستقل از بهار عربی و تبعات آن فهم و تحلیل شود. سعودی قدرت نمایی چندانی در یمن نکرده است و اساساً نمی‌تواند بکند. سرباز سعودی توان حفاظت از سرحدات خود را هم ندارد چه رسد به اینکه سودای گشودن کشوری دیگر را در سر بپرورد؛ همچون همتای مصری‌اش که در کنترل صحرای سینا در مانده اما به خود حق می‌دهد برای شیعه یمنی که از مادر چریک‌زاده می‌شود خط و نشان بکشد. آمریکا ماه هاست از سوی سعودی و اسرائیل متهم است که سیاست منطقه‌ای خود را تغییر داده و «عوض شده است». اساساً همین فهم مشترک ژئوپلیتیکی هم هست که اسرائیل و سعودی را تا این حد به هم نزدیک کرده است. فهمی که می‌گوید آمریکا، متحدان منطقه‌ای خود را تنها گذاشته، در خفا مشغول معامله با ایران است و جرئت، توان و انگیزه مداخله به نفع متحدانش و یکسره کردن منازعات منطقه‌ای را از دست داده و در حال نوعی اخراج خودخواسته از منطقه است. مبنای مخالفت رادیکال سعودی و اسرائیل با توافق هسته‌ای احتمالی ایران و آمریکا هم در اصل همین است.

این دو، مذاکرات هسته‌ای و توافق احتمالی را خروجی یک معامله ژئوپلیتیکی کلان - و البته پنهان - می‌بینند که ایران در آن از حالت دشمن خارج می‌شود و در بدترین حالت یک رقیب منطقه‌ای برای آمریکا خواهد بود؛ والا چنانکه پیش از این گفته ایم مخالفت اسرائیل و عربستان با مذاکرات هسته‌ای منطق هسته‌ای ندارد چرا که از دید این دو کشور هیچ روشی وجود ندارد که بتواند به معامله‌ای با ایران ختم شود بهتر از آنچه آمریکا اکنون در پی محقق کردن آن است.

در واقع، دولت اوباما همزمان با مذاکرات هسته‌ای فینال با ایران، باید به نوعی متحدان منطقه‌ای‌اش را متقاعد می‌کرد که همانطور که جان کری چند هفته قبل در جده گفت هیچ معامله بزرگی با ایران وجود ندارد و هر چه هست تلاشی است برای مهار توان هسته‌ای ایران که آن هم بیش از آنکه یک تهدید مرتبط با اشاعه باشد یک تهدید ژئوپلیتیکی است. صدور مجوز حمله یمن از سوی آمریکا و همراهی آشکار آمریکا با این حمله بلافاصله پس از آغاز آن، هیچ تردیدی در این باره باقی نمی‌گذارد که این حمله از این جنبه کاملاً مرتبط با مذاکرات

ادامه در صفحه ۲

